

دادخواهی حقوق بشری برای زنان در افغانستان

قسمیکه تمام دولت ها و جوامع بشری و بین المللی، بدون تردید از موج هولناک خشونت ها و جنایات شدیداً غیر انسانی علیه زنان، مردان و بخش عظیمی انسان هایی که در افغانستان به اقلیت های قومی مسمی گردیده اند، آگاه هستند. شما همچنان میدانید که عامل اصلی این خشونت ها و جنایات گروه تروریستی طالبان اند که با یک برنامه از قبل طرح شده و با حمایت بی درنگ آمریکا و متحدین بین المللی آن ها با اسم رمز " برقراری صلح" در افغانستان مسلط گردانیده شدند.

ادامه کشتار مردم بی گناه همچون زهرا عبداللہی و فعالان مدنی به خصوص خانم های که اعتراض نمودند سرکوب شدند و ناپدید شدن شان توسط این گروه مانند: تمنا پریانی و پروانه ابراهیم خیل. و افرادی که چون طالبان نمی اندیشند،



هژمونی باور هایی که مشروعتش را از عصر حجر می گیرد، و علاوه بر آن گسترش بیشتر صلب حق کار و آزادی زنان که نیم قشر از جامعه است. تبار گرایی، بیکاری و فقری که بازتاب آن در فروش اطفال توسط پدران و مادران شان به مشاهده میرسد، همه و همه نتیجه به قدرت رسیدن تروریستان طالب در افغانستان می باشد.

واقعیت این است که حامیان بین المللی طالبان به اندازه طالبان مسئول کشتار و سیه روزی مردم

در افغانستان هستند. متأسفانه مردان روشنفکر جامعه افغانستان هم در خاموشی فرو رفتند و زنان افغانستان که خواهان آزادی اند، را در این مبارزه انسانی و حقوق بشری تنها گذاشتند! در حقیقت خاموش نشستن خود حمایت از این گروه جنگی و ضد حقوق بشری است. حمایت از طالبان و حکومت هایی که بر پایه تبار گرایی و تحمیل عقاید سنتی و باورهای متحجر و به غایت ارتجاعی بر مردم بنا شده اند، هیچ میانه ای با حد اقل معیار های انسانی ندارد. ریخته اشک تمساح بر سیه روزی مردم در افغانستان و هم زمان حمایت از استمرار قدرت تروریست های طالب، فرصت طلبانه و به شدت غیر انسانی است.

دعوت از رهبران طالب که هنوز اسامی شان در لست تروریست های تحت تعقیب درج می باشند، به کشوری که در اتحادیه اروپا است (ناروی) که متعهد به حمایت از حقوق بشر و برابری حقوق زنان و مردان در همه امور اجتماعی هستند، نا دیده گرفتن و قربانی کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی در پای حاکمیت طالبان در افغانستان با توجیه نسبیت فرهنگی و یا افغانستانی بودن طالبان شدیداً ارتجاعی و عمیق ضد انسانی است. ما میدانیم که تسلط مجدد طالبان بر افغانستان، نتیجه محاسبات اشتباه سران آمریکا و متحدین غربی آن و یا نتیجه توانایی های عملی و ذهنی طالبان نیست. استیلای مجدد طالبان ادامه سیاست حمایت و گسترش اسلام سیاسی است که در دامان سرمایه داری امکان رشد آن فراهم گردیده است که پیامد آن فاجعه چند بعدی این است که همه شهروندان افغانستان مخصوصاً زنان و کودکان از آن رنج میبرند.

با در نظر داشت این واقعیت ها ما معترضین از جامعه جهانی، فعالین حقوق بشر، جوامع مدنی، مردم و مسئولین اتحادیه اروپا تقاضا می نماییم که

۱. صلح و آرامش پدیده هایی هستند که شهروندان افغانستان سالیان متمادی در آرزوی تحقق آن بوده اند. صلح صرفن خاموش شدن جنگ (که با تسلط طالبان آن هم تحقق نیافته است) نمی باشد. تحقق آرامش مردم در افغانستان با هژمونی قانون شریعت و حاکمیت بر مبنای تبار گرایی ممکن نیست. شهروندان در افغانستان صلحی را می خواهند که در سایه آن برای زنده ماندن مجبور به باج دادن به طالبان نباشند و مخصوصاً افکار آزادی زنان به اسارت و حقوق مدنی شان پایمال نگردد.

۲. به رسمیت شناختن امارت اسلامی طالبان به مفهوم به رسمیت شناختن استمرار رنج و سیه روزی مردم در افغانستان و مخصوصاً زنان می باشد. ما علاوه بر آن که جداً خواهان عدم به رسمیت شناختن امارت اسلامی طالبان و حذف طالبانیزم هستیم، جداً تقاضا مینماییم که نمایندگان و رهبران طالب به عنوان جنایتکاران جنگی به محاکم بین المللی کشانیده شوند. و این حکومت ضد حقوق بشری هرگز به رسمیت شناخته نشود.

سازمان زنان ۸ مارس

برلین- ۲۳ جنوری سال ۲۰۲۲

www.8mars.com